

کشمکش بر سر چیزی کوچک اما پر ارزش

تخمین وجود ۷۰ تا ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت در بستر دریای خزر می تواند

تنش های بزرگ و پرهزینه ای را موجب شود

روابط آذربایجان و ایران اخیراً تنش آلود شده است. جمعیت قابل توجه آذری زبان ساکن استان های شمالی ایران احساس می کنند مورد سوء استفاده قرار می گیرند. آنان دوست دارند به خاطر زبان و فرهنگ خویش از حقوق بیشتری برخوردار باشند. برخی از ناسیونالیست های آذری، رؤیای اتحاد و یکپارچگی هموطنان خویش در یک کشور واحد را در سر می پروراندند. ایران در پشت این قضیه یک توطئه پان ترک مورد حمایت غرب را می بیند، حال آن که رهبری غیرمذهبی (سکولار) آذربایجان در پشت مناره هر مسجدی، یک توطئه اسلامی را می بیند. حیدرعلی اف - رئیس جمهوری بیمار آذربایجان - قرار است به منظور انجام برخی گفتگوهای مورد علاقه در ماه جاری از تهران دیدار نماید.

کشمکش دیگری نیز میان آذربایجان و ترکمنستان، این دیکتاتوری ثروتمند گازی شرق دریای خزر، جریان دارد. این کشمکش بادهای گازی مربوط به اوایل دهه ۱۹۹۰ که به گفته آذربایجان توسط شرکت های خصوصی به بار آورده شده است، ارتباط پیدا می کند. ترکمنستان ضمن آن که به نشانه ناراضی، سفارت خود در باکو را تعطیل کرده است از آذربایجان می خواهد بدهی مورد نظر را پرداخت نماید.

اکنون چنین می نماید که گویی مناقشات فروکش می نماید. شرکت نفتی انگلیسی بریتیش پترولیوم (بی.پی) عملیات حفاری خود در منطقه مورد اختلاف را متوقف ساخته است. متعاقباً گزارش مربوط به تحرکات نیروهای نظامی ایران تکذیب شد. قرار است سفیر ایران در باکو بزودی برگردد. رؤسای همه کشورهای حوزه دریای خزر نیز در نظر دارند در پاییز دیدار کنند. ولی با همه اینها، اوضاع گران کننده است.

منبع: اکونومیست، ۲۴ اوت ۲۰۰۱

آنان از مناطق قلمرویی خود برخوردار گردند. روسیه و ایران می گویند طبق پیمان های زمان اتحاد شوروی، خزر یک دریاچه است و طبق قانون بین الملل، این بدان معنی است که بخش اعظم آن بایستی مشترکاً تصاحب و اداره شود - که بدین ترتیب دو کشور مزبور سهم بزرگتر را از آن خود می سازند. این دو کشور از حمایت گسترده یک کشور پنجم یعنی ترکمنستان برخوردارند، هر چند رفتارهای رهبر خود بزرگ پندار آن، به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست. اگر قضیه نفت موجود در بستر دریای خزر نبود، هیچ یک از مسایل چندان مهم نمی بود. هر پنج کشور مورد نظر خواستار سهم خود یا چیزی نسبتاً بیش از سهم خود از ذخایر نفتی بستر دریای خزر هستند. گفتنی است میزان این ذخایر بین ۷۰ تا ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد شده است.

هیچ کدام از این کشورها اهل مذاکره سازنده نیستند. غرب در سطح گسترده ای از قزاقستان و آذربایجان جانبداری می کند چرا که شرکت های نفتی آن در این دو کشور سرمایه گذاری های عظیم انجام داده اند. ولی فقط روسیه و ایران از حضور دریایی چشمگیری در دریای خزر برخوردارند. روسیه در منازعه جاری برای حفظ آرامش تأکید می کند، اما در عین حال اخیراً اقدام به قدرت نمایی هایی نیز کرده است. در ماه ژانویه، ناوگان روسیه با مهمات واقعی به انجام رزمایش هایی مبادرت ورزید. سپس، کشتی های جنگی آن در نزدیکی باکو لنگر انداختند و تنها بعد از انجام این لنگراندازی، خواستار کسب مجوز آن شدند. ماه گذشته، مقامهای روسیه اعلام کردند که سه کشتی قدرتمند جدید به ناوگان مزبور اضافه می شود. این اقدام به منزله هشدار بود به مقام های آذربایجان تا نگذارند چنان ها از خاکشان به عنوان یک پایگاه تبلیغاتی استفاده کنند.

در این منطقه تنشهای نهفته ای نیز وجود دارد.

وضعیتی که پدید آمده به سان خطوط آغازین سناریوی یک طراح نظامی برای جنگ جهانی سوم است. طرفهای درگیر عبارتند از چند کشور ناهنجار و رهبرانشان که یکی بیمار است، یکی علیل، دیگری بیرحم یا دیوانه. دو کشورشان قویاً مسلح اند. دعوا بر سر یکی از منافع حیاتی غرب است: میلیاردها دلار نفت.

هفته پیش یک کشتی نیروی دریایی ایران دو کشتی اکتشافی نفت متعلق به انگلستان را که با یک شرکت آذربایجانی همکاری می کردند، از ناحیه مورد منازعه آبهای دریای خزر بیرون راند. سپس، ایران هواپیماهای نظامی خود را دوبار به حریم فضایی مورد ادعای آذربایجان گسیل داشت و گفت از آنجا که مرزها مشخص نیست، مرتکب خلافتی نشده است. سفیر ایران به طرز اسرارآمیزی باکو، پایتخت آذربایجان را ترک کرد.

یک گزارش منتشر شده در شماره مورخ ۲۶ ژوئیه روزنامه نیمه رسمی تهران تایمز به آتش کشمکش دامن زد. در این گزارش آمده بود: "به دنبال اقدام گستاخانه آذربایجان، که با پشتیبانی انگلستان انجام گرفت، ایران واحدهای نیروی زمینی خود را در امتداد مرز با آذربایجان مستقر کرد" در عین حال، رسانه های آذربایجان به نقل از یک مقام ارشد ایرانی اعلام کردند که آذربایجان در گذشته از استان های ایران بوده است. از قرار معلوم مقام یاد شده بالا گفته بود، رهبران آذربایجان باید به گونه ای کشور خویش را اداره کنند که تهران را به فکر ادعای مجدد در مورد خاک آذربایجان نیندازند. درست یا نادرست، مقامهای آذربایجان نیز به همین نحو واکنش نشان دادند. الیار [به نظر می رسد ابن اللہیار باشد - مترجم] صفرلی - از سفیران سابق آذربایجان در ایران - مدعی شد که شواهد و مدارکی در اختیار دارد که ایران همه ساله بیش از پنجاه میلیون دلار صرف اقدامات خرابکارانه در آذربایجان می کند.

در واقع تاکنون حادثه ناگواری رخ نداده است. ولی مناقشه فعلی نشانگر ناتوانی از تصمیم گیری بر سر چگونگی تقسیم دریای خزر و منابع کافی آن بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. مجادله پیرامون اصل محرمانه ای از قانون بین المللی حاکم بر مرزهای دریایی دور می زند. دو کشور تازه استقلال یافته هم مرز با دریای خزر، یعنی آذربایجان و قزاقستان، خواهان آن هستند که با دریاچه خزر به عنوان یک "دریا" رفتار شود و